کوتاه‌تر از حادثه

قتل مدیران حقوقی و حراست آبفای ماهشهر

ایلنا| پلیس، متهمی راکه در تأسیسات شرکت آب وفاضلاب شهرستان ماهشهر استان خوزستان، دو نفر از مسئولان آبفا را به قتل رسانده بود، بعد از شش ساعت در آبادان دستگیر کرد. به‌دنبال این تیراندازی یکی از مدیران حقوقی و یک نفر از پرسنل حراست این شرکت کشته شدند؛ همچنین یک نفر دیگر زخمی شد. قاتل که نگهبان تصفیه آبفا بوده است، انگیزه خود از وقوع جنایت را اختلاف مالی در پرداخت حقوق و مزایا عنوان کرده که تحقیقات تکمیلی در حال انجام است.

انفجار خانه با نارنجک دستی

تابناک| دیروز مردی جوان هنگام درست‌کردن نارنجک دستی، یک منزل مسکونی را در اردبیل منفجر کرد. این حادثه زمانی رخ داد که این افراد در حال ساخت نارنجک دستی و ترقه برای مراسم چهارشنبه آخر سال بودند. با انفجار مواد پیش‌ساز نارنجک، خانه مسکونی آن‌ها آسیب زیادی دید و هر دو جوان به‌شدت مجروح شدند.

قتل پسربچه به خاطر ریختن آب روی فرش

منیان| نامادری بی‌رحم یک کودک هشت‌ساله را به خاطر ریختن آب روی فرش به قتل رساند. تحقیقات پلیس نشان داد این زن به بهانه‌های مختلف بارها پسربچه را کتک زده بود و آخرین بار او را به شکلی شکنجه کرده که همسایه‌ها با پلیس تماس گرفته بودند. به‌دنبال گزارش کودک‌آزاری در این واحد مسکونی، یک واحد گشت پلیس با حضور در محل با جسد پسر خردسال روبه‌رو شد. با اینکه بدن این پسربچه مملو از آثار ضرب و جرح بود، اما نامادری مدعی شد که پسربچه از پله افتاده است؛ ادعایی که نامادری در پیگیری‌های بعدی، آن را پس گرفت و به قتل کودک اعتراف کرد.

سقوط به چاه هنگام فرار از دست اخاذها

خبرگزاری پلیس| پلیس مرد جوانی راکه برای فرار از دست زورگیران باورود به بیابان قم در یک حفره سقوط کرده بود، نجات داد. این فرد که از اهالی یاسوج بود، به‌عنوان مسافر با یک خودروی شخصی پژو۴۰۵ از اصفهان به سمت تهران در حال حرکت بوده است که راننده خودرو و همدست دیگرش ناگهان در حاشیه بیابان قم توقف کرده تا از مرد جوان اخاذی کنند. مرد مسافر در واکنش به این اقدام موفق می‌شود با جاگذاشتن چمدانش پس از ورود به بیابان متواری شود، اما در ادامه در یک حفره سقوط کرد و گرفتار شد. باوجود شارژ کم تلفن همراهش، او توانست قبل از خاموش شدن گوشی با پلیس تماس بگیرد و کمک بخواهد. پلیس پس از ساعت‌ها جست‌وجو و با کمک نشانه‌هایی که مرد داده بود، توانستند او را پیدا کنند و از مرگ حتمی نجات دهند. تلاش پلیس برای شناسایی و دستگیری راننده و همدستش آغاز شده است.

بازگرداندن ۲۰ هزار دلار ارز دیجیتال

ایرنا| با اعلام سرقت مقادیری ارز دیجیتال ازکیف پول یک جوان در هرمزگان، کارشناسان پلیس فتا بندرعباس توانستند با استفاده از روش‌های نوین و توانایی کارشناسان این حوزه، مسیر انتقال ارزهای سرقت شده را ردگیری کنند و همه ارزهای دیجیتال به ارزش ۲۰ هزار دلار را به‌کیف پول مال‌باخته برگردانند. پلیس هرمزگان پس از بازگرداندن ارزهای دیجیتال سرقتی توانست متهم را در یکی از شهرستان‌های این استان ردزنی و دستگیر کند. متهم در بازجویی‌ها اعتراف کرد که با همکاری دوستش اقدام به این سرقت کرده است.

جهان حوادث

سقوط بالگرد در افغانستان

خبرآنلاین| یک فروند بالگرد نظامی حین فرود در یک منطقه نظامی افغانستان سقوط کرد. روزگذشته فیلمی از لحظات سقوط یک بالگرد نظامی که ازسوی ارتش افغانستان در اختیار طالبان قرارگرفته بود، منتشر شد. این ویدئو بازتاب زیادی در فضای مجازی داشت. از تعداد سرنشینان بالگرد و زمان و مکان وقوع حادثه، اطلاعاتی منتشر نشده است. بالگرد هنگام فرود به یک وسیله نقلیه سنگین برخورد وکرد و دچار انفجاری مهیب شد.

آتش‌سوزی یک پالایشگاه نفت در باکو

ایسنا| مقامات آذربایجان اعلام کردند که آتش‌سوزی در یک پالایشگاه نفت در باکو، پایتخت این کشور، رخ داده است که امدادگران برای مهار آتش دست به‌کار شده‌اند. در بیانیه وزارت شرایط اضطراری این کشور آمده است که این وزارتخانه اطلاعاتی را درباره آتش‌سوزی در این پالایشگاه دریافت کرده است. اطلاعاتی بیشتر و علت وقوع حادثه اعلام نشده است.

مرگ خلبانان جنگنده فیلیپینی

ایلنا| به‌دنبال سقوط یک فروند هواپیمای جنگی در ایالت‌های جنوبی فیلیپین، دو خلبان نیروی هوایی این کشور کشته شدند. تعدادی جنگنده نیروی هوایی ارتش فیلیپین نیمه‌شب سه‌شنبه، به استان‌های جنوبی فیلیپین اعزام شده بودند که ارتباط دو خلبان جنگنده اف‌ای۵۰ با دیگران قطع شد. پس از قطع ارتباط این جنگنده، تیم‌های امدادی به محدوده مدنظر اعزام شدند و پس از جست‌وجوی گسترده موفق به‌کشف بقایای این جنگنده و جسد دو خلبان شدند.

متهمانی که پارسال در نزاعی جمعی فردی را کشته و متواری شده بودند، به صحنه جرم برگشتند

اعترافات «حسین قلعه» در «قلعه جغری»

محمدجواد ابوعطا

گزارش

تیرماه سال گذشته بود که نزاعی دسته جمعی و شبانه در روستای «جغری» در چهل و چهارکیلومتری مشهد رخ داد. در این نزاع جوانی به هویت «حامد. ف» به ضرب گلوله اسلحه شکاری به قتل رسید. با ورود قاضی صادق صفری، بازپرس جنایی به پرونده و آغاز تحقیقات مشخص شد که دو طرف درگیری «مصطفی» و «مرتضی»، پسرعموهای مقتول بوده‌اند. با تلاش سروان آرمین منفرد، دو برادر در این پرونده بلافاصله دستگیر شدند. پس از اعتراف این متهمان به درگیری، آن ها دو نفر دیگر معروف به «حسین خردو» و «حسین قلعه» را نیز معرفی و اعلام کردند که یکی مالک اسلحه و دیگری ضارب بوده است. تحقیقات تیم جنایی ادامه یافت تا اینکه «حسین خردو» که مالک اسلحه شکاری بود نیز دستگیر شد؛ اما تلاش برای یافتن متهم به قتل تا امسال ادامه یافت و چندی پیش مأموران موفق به دستگیری این متهم شدند. پس از اقرار متهمان به نقششان در این پرونده جنایی، چهار متهم پرونده، دیروز دست و پا بسته به محل جرم بازگردانده شدند تا صحنه جرم را بازسازی کنند.

از دعوا در عروسی تا نزاع مرگ‌بار

«مرتضی. ف» که سنش از دیگرمتهمان بیشتر بود، اولین نفری بود که به سؤالات بازپرس جنایی پاسخ داد.

دلیل اختلاف شما با مقتول چه بود؟

اختلاف سر دعوای خانم هایمان بوده است.

دعوای زن‌ها بر سر چه بود؟

در مجلس عروسی دخترعمویمان بوده که خانم ها با هم بحثشان می شود؛ ولی دقیقا نمی دانم چه بوده است.

حامد بی‌ادبی کرد

«مصطفی. ف»، دیگر متهم این پرونده که او از افراد دیگر برای نزاع دعوت کرده بود نیز به سؤالات قاضی صفری پاسخ داد.

درگیری شما با مقتول از کی شروع شد؟

بعد از همان عروسی و دعوای زن ها، حامد به من زنگ زد و بی‌ادبی کرد و گفت: «زنت با زن من دعوا کرده است.» از شب عروسی تا شب حادثه یک سالی گذشت و ما با هم قهر بودیم و مشکل داشتیم و در این مدت نیز چندبار با هم دعوا کرده بودیم.

روز حادثه چطور همدیگر را دیدید؟

روز حادثه حامد در خیابان رسالت مرا دید و می خواست دعوا کند که بچه ها بودند و نگذاشتند. بعد به من زنگ زد و قرار دعوا گذاشت و بدون خداحافظی گوشی را قطع کرد. بعد هم به داداشم زنگ زده و قرار دعوا گذاشته بود که با داداشم قرارگذاشتیم برای دعوا به جغری برویم.

چه کسی به حسین زنگ زد؟

من به «حسین خردو» زنگ زدم و گفتم که اسلحه را بیاور؛ چون دشمن زیاد دارم در روستا و گفتم ممکن است درگیری درست شود.

اگر دشمن داری، چرا آمدی؟

خریت کردم.

حسین چه وسیله ای همراهش بود؟

«حسین خردو» گفت سلاح ندارم و نمی دهمش؛ اما وقتی که آمد، سلاح را آورده بود و اسلحه را به «حسین قلعه» داد.

«حسین قلعه» را چه کسی دعوت کرد؟

«حسین خردو» به او زنگ زد و گفت: «بیا برویم قلعه جغری، مصطفی دعوا کرده است.»

شیشه های تیبا را که شکستند، دعوا شروع شد

«حسین خردو» درحالی برابر بازپرس جنایی قرار گرفت که او اسلحه را آورده بود و به سؤالات تخصصی جواب داد.

چه کسی به تو زنگ زد؟

مصطفی زنگ زد و گفت: «اسلحه ات را بیاور» که‌گفتم: «اسلحه ندارم»، با اینکه اسلحه خانه پدرم بود.

مصطفی به تو زنگ زد و گفت که می خواهد دعوا کند و برای همین اسلحه را آوردی، درست است؟

من همان زمان داشتم اسلحه را از خانه پدرم به خانه خودم می بردم. اسلحه، شکاری بود. مصطفی زنگ زد و گفت: «از سیس آباد تا حاجی آباد یک ایستگاه راه است، خودت را برسان.» من رفتم حاجی آباد و موتورم را گذاشتم جلوی کافه و نشستم داخل ماشین.

چرا سلاح را همان جا در کافه نگذاشتی؟

اشتباه کردم، همان را نباید می آوردم.

بعد چه شد؟

آمدم داخل ماشین نشستم که از راه پشت آمدیم بالای روستا، اسلحه را از توی یقه ام درآوردم و «حسین قلعه» از من گرفت. پنج شش گلوله هم داشت.

نوع سلاح چه بود؟

شکاری بود که لوله اش را کوتاه کرده بودم تا توی کیسه برنجی جا بگیرد.

تو از بالای در، خانه مقتول را نگاه کردی؟

از لای در نگاه کردم و دیدم حدود بیست سی نفر نشسته اند داخل حیاط. به مصطفی گفتم: «تعداد زیادی داخل حیاط هستند، زنگ بزن به حامد تا با او صحبت کنیم و آشتی کنیم.» مصطفی گفت: «بیایید شیشه های ماشینش را بشکنیم و برویم.»

دست مصطفی و مرتضی چه بود؟

مصطفی چاقو داشت و مرتضی هم لوله گاز دستش بود. بعد زمانی که مرتضی و مصطفی داشتند شیشه های ماشین را می شکستند، من و حسین قلعه وسط کوچه بودیم که ناگهان از در پایین -خانه دو تا در دارد- ریختند بیرون و با آن ها درگیر شدند.

کی تیراندازی شد؟

آن ها که ریختند بیرون، درگیری شروع شد.

ترسیده بودم

«حسین قلعه» به عنوان آخرین متهم و متهم اصلی پرونده درحالی برابر سؤالات بازپرس جنایی قرار گرفت که مدعی بود ترسیده و شلیک کرده است.

حرف های دیگرمتهمان پرونده را قبول داری؟

بله.

وقتی درگیری شروع شد، تو کجا بودی؟

من وسط کوچه بودم که مصطفی و مرتضی بعد از شکستن شیشه های خودروی تیبا به سمت ما آمدند و جمعیت هم دنبالشان می آمدند.

کی تیراندازی را شروع کردی؟

تیر اول را وسط کوچه بودیم که هوایی شلیک کردم. عقب عقب می رفتیم.

سلاح شکاری بعد از هر تیراندازی باید مسلح شود، خودت گلوله را جا می انداختی؟

بله، فشنگ ها توی جیبم بود و تیر اول را هوایی زدم و تیر دوم را نزدیک ابتدای کوچه زدم و هی داد می زدم که نیایید، می زنم.

تیر آخر را کی زدی؟

وقتی به خیابان آسفالته رسیدیم، آنجا هم یک تیر هوایی زدم و سر پیچ که رسیدیم، یک تیر به سمت جمعیت انداختم.

موقع تیراندازی به سمت جمعیت، چه کسی مقابلت بود؟

من هیچ کس را نمی شناختم؛ نه مقتول را می شناختم و نه تا آن روز مرتضی و مصطفی را دیده بودم.

از فاصله چند متری زدی؟

حدود بیست و پنج متری بود، هول شده بودم که نفر اول را زدم.

کار با اسلحه را بلد بودی؟

قبلا یک بار جای گوسفندها اسلحه دستم گرفته بودم و بلد بودم.

از اینجا به کجا رفتید؟

رفتیم جای ماشین و سوار شدیم از روستا رفتیم. تا جای کارخانه آهک که دیدیم یک پراید و پژو دنبالمان هستند.

چیزی مصرف کرده بودی؟

نه، چیزی نخورده بودم و از خانه آمدم.

عکس: محسن بخشنده | شهرآرا

عکس خبر

برخورد مزدا با تپه

جلایئان| روز گذشته برخورد یک دستگاه وانت‌مزدا با یک خودروی پراید، منجر به مصدومیت و محبوس‌شدن دو سرنشین وانت مزدا شد. این تصادف در فاصله پانزده‌کیلومتری اتوبان مشهد- باغچه رخ داد که یک دستگاه خودروی وانت مزدا و یک خودروی پراید با یکدیگر برخورد کردند؛ برخوردی که منجر به انحراف وانت از جاده شد و با یک تپه برخورد کرد. درپی این تصادف، راننده و سرنشین دیگر آن مصدوم و درون خودرو محبوس شدند. پس از این تصادف، آتش‌نشانان برای امدادرسانی به محل اعزام شدند. آتش‌نشانان ایستگاه شهدا ضمن ایمن‌سازی محل، راننده و همسرش را از وانت‌مزدا خارج کردند و به کارشناسان اورژانس تحویل دادند.
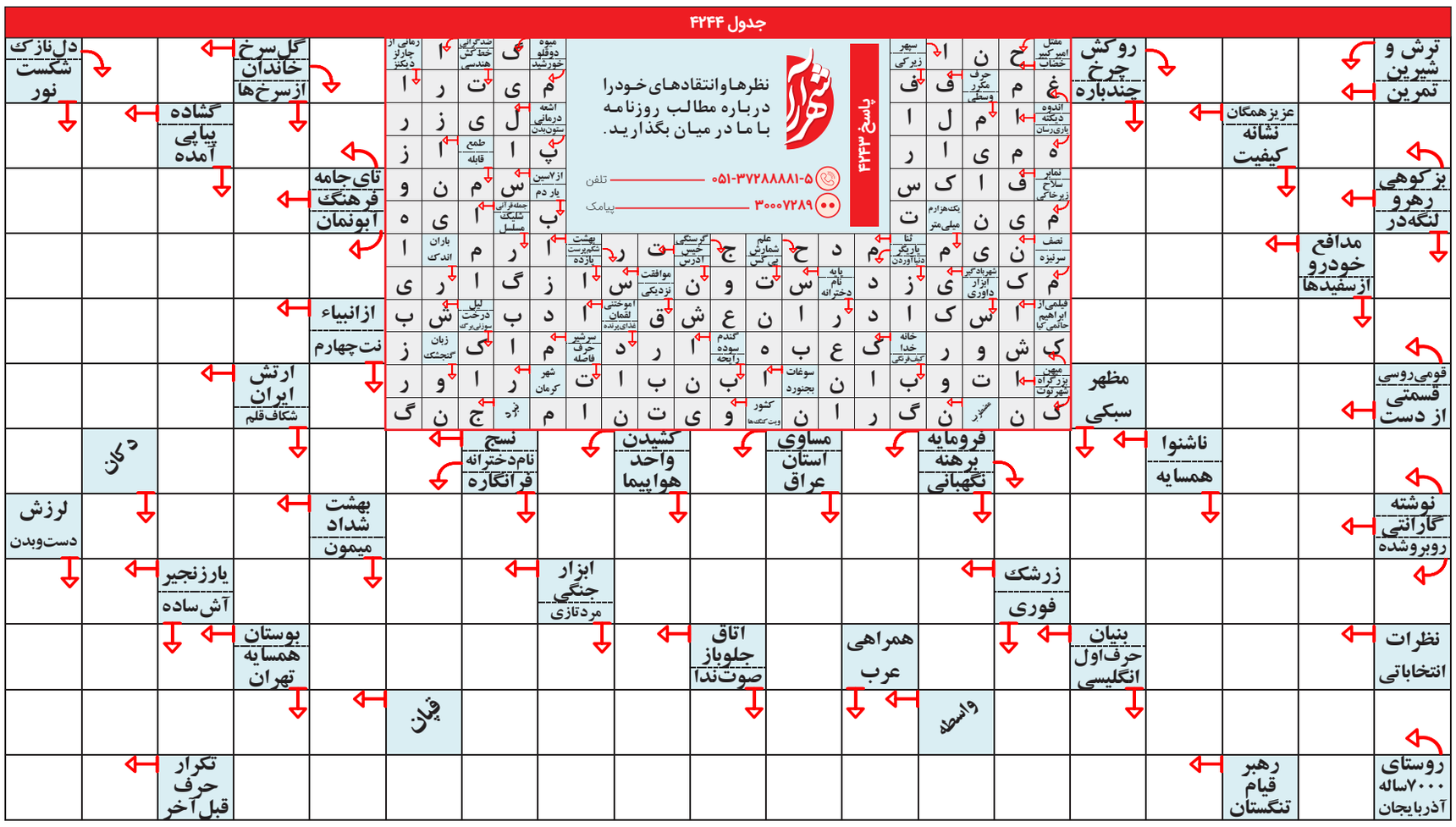
جدول ۴۲۴۴